موضوع: متن املای تقریری / نوبت امتحانی: / از درس ۱ تا ۹ کتاب فارسی

متن املای تقریری نوبت اول، پایه هفتم

از صحرا باز می گشتم و نسیم ، مانند مادری مهربان و آداب دان که به کودکان خویش ، حق شناسی و ادب می آموزد ، سر های نهال های جوان و بوته های نوزاد خویش را به نشانه ی احترام و وداع با من خم کرده بود و من در آخرین نقطه ی دید که اندک اندک صحرا از نظرم ناپدید می شد ، بار دیگر سرم را برگرداندم و با تکان دادن دست هایم به احساسات خاموش اما سرشار از پاکی و صفای این طبیعت و سبزه های معصوم پاسخ می گفتم و به خالق آن ها می اندیشیدم.

نوجوانی دوره ای پر فراز و فرود بین وابستگی و استقلال است.نوجوانی دوره ای شبیه به رویا و زیباست.زیبایی و قشنگی آن را با کم حوصلگی و دلخوری های بیهوده زشت و تاریک نکنیم.

پدرم می گوید:قلب مهمان خانه نیست که آدم ها بیایند دو سه ساعت یا دوسه روز توی آن بمانند و بعد بروند. قلب لانه ی گنجشک نیست که بهار ساخته شود و در پاییز باد آن را با خودش ببرد.

اگر آسمان آبی یا پر ستاره را با شگفتی و اعجاب مرور کنیم و یا بر ساحل دریا، یا رودخانه می نشینیم، وقت خود را تلف نکرده ایم. اینها جزء زندگی است بخصوص اگر با تامل و فکر و عبرت همراه باشد.

در اوّلین ساعات حضورش در قم به حرم حضرت معصومه (س) پناه برد. سر بر ضریح آن حضرت گذاشت و آرام اشک ریخت. از خداوند خواست به او در راهی که انتخاب کرده است اخلاص و همّت بلند عطا کند و به قلب نگران مادر نیز آرامش و نشاط بخشد و بیماری و کسالت او را شفا دهد.